

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)  
**فناوری اطلاعات**

**و**

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)  
**جهانی شدن**

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)

[www.kandooocn.com](http://www.kandooocn.com)

## جهانی شدن

«پایان جنگ سرد با جهش های عظیمی در عرصه ارتباطات مصادف شد از اوایل سالهای ۱۹۹۰ با به بازار آمدن دیش های گیرنده امواج صوتی و تصویری و سپس ایجاد خطوط اینترنتی و سقوط قیمت ارتباطات که نتیجه آن سرعت بخشیدن بی سابقه ای در امر خبرگیری و خبررسانی و تبادل اطلاعات شد مردم جهان را تا حدی که قبلاً در تصویر نیز نمی گنجید به هم نزدی کرد. با ایجاد سرعت در ارتباط و حمل و نقل به نظر می رسید که جهان هر روز کوچکتر می شود. و برای اشاره به این کوچک تر شدن، اصطلاحاتی مانند دهکده جهانی و دنیای کوچک متداول شد. دوران جنگ سرد با فروپاشی شوروی پایان یافته بود و تبعاً دوران پس از آن خصوصیات دیگری داشت و لازم بود برای سهولت در کار برای آن نامی انتخاب شود. گلوبالیزیشن یا گلوبالیسم و یا همان جهانی شدن نامی است که دوران پس از دوران جنگ سرد را باید تداعی کند و صرفاً یک نام است و نه بیشتر از آن. این دوران که ما در ابتدای آن قرار داریم خصوصیتی دارد که هنوز بر کسی کاملاً روشن روشن نیست. این که این دوران چه مرحله ای را طی خواهد کرد و یا چگونه خاتمه خواهد یافت نامشخص است. آنچه مشخص است این است که با آغاز قرن بیست و یکم ما بطور قطعی به دورانی پاگذارده ایم که با دوران های قبلی تفاوت های ماهوی بسیاری دارد و گویا قرارداد نانوشته ای بوجود آمده که این دوران جدید را دوران گلوبالیزیشن بخوانند. ارتباطات در سطح جهان و ما بین مردم هر روز گسترش و سرعت بیشتری پیدا میکند. محصولات ساخته شده در هر نقطه ای از جهان را می توان در نقاط دیگر جهان یافت. سفر کردن در جهان هر روز بیشتر و سریعتر می شود. روزنامه نگاران، دانشمندان روشنفکران، سازمانهای صنفی و ... هر روز بیشتر جهانی می شوند و در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و از دستاوردهای یکدیگر بهره مند می شوند. با انتقال افراد به این و آن سوی جهان هر چه بیشتر فرهنگها در همدیگر ادغام می شوند. برخلاف تصور برخی ها

جهانی شدن تنها جنبه اقتصادی ندارد و تمامی حوزه های دیگر از جمله مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می شود. برخی ها این را نشانه هایی از آغاز پروسه ایجاد و تکوین یک تمدن جهانی می دانند»

## فناوری اطلاعات و ارتباطات

مجموعه مهارت ها، ابزارها و فنونی که در خدمت تولید، پردازش، توزیع و اشاعه اطلاعات قرار دارد یا به عبارت دیگر مجموعه سخت افزارها و نرم افزارهایی که برای بهینه سازی، تولید دریافت، سازماندهی، پردازش و اشاعه اطلاعات به خدمت گرفته می شود. فناوری اطلاعات نام دارد. اعضای خانواده فناوری اطلاعات عبارتند از: رایانه های بزرگ، ریزرایانه ها، لوح های فشرده، تلفن های بی سیم، چاپگرهای لیزری و رنگی، تلفن های همراه، تصاویر متحرک و رایانه ای، شبیه سازی رایانه ای، دی وی دی، رادیو ضبط و تلویزیون دیجیتال بزرگراههای اطلاعاتی، شبکه های رایانه ای، فرارسانه ای ها، اینترنت، چند رسانه ای ها، ابر رایانه ها، تلفن ویدئویی، واقعیت های مجازی، شبکه های گسترده جهانی، وب و مانند آنها»

«تکنولوژی های جدید اطلاعاتی، ارتباطاتی شامل تمامی فن آوری هایی است که گونه های مختلف ارتباطات را میان انسان ها با یکدیگر، انسان ها با سیستم های الکتریکی و سیستم های الکترونیکی با هم میسر می سازد.

## بعد اجتماعی

### تأثیرات اجتماعی فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند جهانی شدن

«۱- آزادی: اگر چه فناوری اطلاعات فراهم آورنده فرصتی برای افراد است تا افکار خود را آزادانه و فارغ از محدودیت های ناشی از واسطه ها بیان کنند به دلیل معقول و معتدل بودن میزان سرمایه لازم برای

خرید یک رایانه و هزینه ناچیز انتقال به اینترنت، هر کس می تواند هر چیزی را بر روی سراسفحه شخصی بفرستد یا هر چیزی را در اتاق گپ بگوید و مخاطبان بالقوه چنین پیام هایی نیز بسیار انبوهند<sup>۱</sup> اما با نگاهی به فرایند مبادله اطلاعات بین کشورهای شمال و جنوب و مشاهده نابرابری اطلاعات ارائه شده پدیده جریان آزاد اطلاعات رنگ می بازد و ماهیت واقعی خود را نشان می دهد. عده ای بر این عقیده اند که جریان آزاد اطلاعات به عنوان پیشقراول جهانی شدن نقابی نوست که استعمار به صورت زده بدین معنی که جریان آزاد اطلاعات ظاهری فریبنده و عاری از هر گونه جنبه منفی دارد. لیکن در باطن خود نگرش هایی را به اذهان القا می کند که هدفی جز ایجاد یک دنیای ذهنی غیر واقعی از واقعیات موجود ندارد. آن ها با استفاده از راهکارهای هنر دستکاری، حجم وسیعی از اطلاعات پردازش شده را برای محور ساختن جامعه گیرندگان پیام خود به سراسر دنیا ارسال می دارند. براین اساس گفته می شود جریان آزاد اطلاعات به اندازه ماهیت واقعی اش مسحور کننده است و در راستای تبلیغات القایی ابداع شده است و به کار گرفته می شود»

«- همپیوستگی جهانی: فناوری اطلاعات، ارزان، سریع، نقطه به نقطه و نا همزمان است و به پست الکترونیکی ویژگی سهولت و فوریت که ارتباطات پستی و تلفنی هیچ گاه نداشته اند و ویژگی شخصی شدگی که رسانه های رادیو - تلویزیون فاقد آن هستند می بخشد با وجود وب جهانگستر دسترسی به اطلاعات محلی با سرعت های بی سابقه امکانپذیر می شود یک نفر می تواند روزنامه سیدنی مورنینگ هرالدر را در همان زمانی که استرالیایی ها آن را می خوانند بخواند، فناوری اطلاعات، موجبات تماس مستمر شهروندان جهان را با مردمان و وقایع هر جای دیگر با چنان سهولتی فراهم می کند که جهان عمیقاً بیگانه می شود و با استفاده کامل تری که در سراسر جهان از فناوری اطلاعات می شود این اثر افزایش می یابد»

«- نزدیک شدن مسافت ها: یکی از پیامدهای نقشی که فناوری اطلاعات در به هم پیوستن جهان دارد آن است که اکنون منابع اطلاعاتی، برای افراد گوناگون که در سراسر جهان پراکنده اند بسیار دسترس پذیر شده اند اگر چه کل موجودی کتابخانه عمومی نیویورک به این زودی ها به صورت درونخطی در نخواهد آمد اما مزایای دسترسی اطلاعاتی کسانی که در مناطق دوردست جغرافیایی زندگی می کنند و به وب دسترسی دارند تقریباً همانند مزایای کسانی است که در مرکز زندگی می کنند اطلاعات مورد نیاز بسیاری از افراد، هر چند که شاید این افراد در زمره دانشپژوهان نباشند به شکل الکترونیکی تا حد زیادی در دسترس است. امکانات مخابراتی نیز یکی دیگر از جلوه های استقلال مکانی فناوری اطلاعات است.

- بیگانه سازی: شواهد اخیر و اولیه نشان می دهد که گذراندن حتی زمان اندکی در اینترنت ممکن است منجر به این شود که برخی از کاربران احساس افسردگی روانی و از خود بیگانگی کنند. سرچشمه آشکار برخی از این بیگانه سازی ها این است که دوستی ناشی از اتاق های گپ، احتمالاً از دوستی که از طریق تعامل چهره به چهره شکل می گیرد کم مایه تر است. بعلاوه زمان صرف شده در مقابل صفحه نمایشگر، تماس معمول بین فردی را کاهش می دهد.» «توسعه تکنولوژی و شبکه های اطلاع رسانی هم ارتباط با مردم دیگر، گاه در آنسوی جهان، را مورد تشویق قرار می دهد و هم گرایش بسوی انزوا و گوشه گیری را تقویت می کند. مثلاً توسعه کار از راه دوردستی ها و معاشرت محیط کار را خدشه دار می کند. ما اکنون شاهد فعالیتهای فزاینده ای هستیم که مردم را جلوی صفحه نمایش کامپیوترهایشان منزوی می کند، این پیشرفتها هراسهایی را نیز به دنبال دارند بعضی از مردم بر این باورند که دسترسی به این دنیای مجازی ممکن است به کاسته شدن حس واقعیت منجر شود. که عواقب جدی بالقوه ای برای جامعه پذیری نوجوانان و جوانان به دنبال خواهد داشت.»

- سیطره زبان انگلیسی: «فناوری اطلاعات عمدتاً یک رسانه انگلیسی مدار است زیرا توسعه آن از سنت انگلیسی محوری علوم در پس از جنگ جهانی دوم پیروی کرده است یک کاوشگر وب برای کسب بیشترین فواید از فناوری جهانی اطلاعات باید دست کم درک متوسطی از زبان انگلیسی داشته باشد<sup>۲</sup>»

«رواج زبان انگلیسی در عصر اطلاعات تا این حد قابل پیش بینی نبود. حتی زبان لاتین که ظرف دوهزار سال زبان علمی اروپاییان محسوب می شد و زبان یونانی که زبان مسلط جهان باستان بود. به این مقدار بر جهان سیطره نیافتند. اکنون زبان انگلیسی به زبان اقتصاد، فرهنگ عامه و آموزش عالی در سراسر جهان بدل گشته است» با وجود سلطه زبان انگلیسی بر ارتباطات اینترنتی، برخی زبان های دیگر هم در این زمینه مورد استفاده قرار می گیرند. به طور مثال کشور چین در سال ۲۰۰۲ بیش از ۲۲ میلیون کاربر اینترنت داشته است که بیشتر آن ها، به سبب توسعه محتوای اینترنتی به زبان چینی، امکان کاربرد آنرا پیدا کرده اند. بر مبنای پژوهشی که در فوریه ۲۰۰۱ صورت گرفت. مشخص شد که اکثر کاربران چینی اینترنت از پایگاههای اینترنتی چینی زبان استفاده می کنند»

اگر چه شماره منابع غیرانگلیسی قابل دسترس در اینترنت در حال رشد است ولی زبان انگلیسی در اینترنت همچنان زبان مسلط است.

«زبان، اساس ارتباطات میان مردم را تشکیل می دهد و نیز بخشی از میراث فرهنگی آنان به شمار می آید. زبان برای بسیاری از مردم، محملی برای ارتباط عاطفی و فرهنگی و ارزش های نهفته در میراث گسترده ادبی، تاریخی، فلسفی و آموزشی قلمداد می شود»

«پاره ای دانشگاهیان، شیوع زبان انگلیسی را آفتی برای فرهنگ های بومی می دانند؟؟ استرجفرت مقام عالی در دانشگاه لاند، یکی از بزرگترین مؤسسات آموزش عالی سوئد معتقد است که زبان انگلیسی در

اغلب مباحثات علمی بکار می رود و زبان سوئدی بزودی به زبان تبدیل می شود که تنها در خانه و در صحبت با سگها به کار می رود»

## بعد فرهنگی

«ارتباطات خود منتقل کننده فرهنگ و پایه ای برای توسعه جامعه و ملت است. وسایل ارتباط جمعی از یک طرف می توانند فرهنگ بومی یک جامعه و ارتباط آن را با گذشته حفظ کنند و از طرفی دیگر، می توانند موجب سرخوردگی مردم گردند، و باعث از بین رفتن یا حداقل تضعیف فرهنگ بومی جامعه شوند و در نتیجه تصویری را ارائه دهند که مهاجم و غریبه باشد. این حالت تهاجم فرهنگی نامیده می شود و اغلب نشان دهنده سبک زندگی و ارزشهای ناسازگار است.» «درباره فرهنگ در نظام جهانی دیدگاههای متنوعی وجود دارد. برخی فرایند جهانی شدن را بویژه در ابعاد جامعه شناختی آن نوعی تهاجم فرهنگی می دانند. در حالیکه برخی از صاحب نظران علوم ارتباطات یکی شدن فرهنگ ملتها را که حاصل ارتباطات شبکه ای و ماهواره ای می باشد یکی از جنبه های مثبت پدیده جهانی شدن تلقی می کنند» «مک لوهان نظریه پرداز دهکده جهانی ارتباطات می گوید: رسانه یک ابزار نیست خود پیام است، تلویزیون و ابزار پیام رسانی نیست خود پیام است. بنابراین یکی از مهمترین عواملی که امروزه جهانی شدن را می سازد رسانه های ارتباطی قدرتمند است. نمونه اینها اینترنت است. اینترنت پرچم جهانی شدن فرهنگ است. اینترنت یک شبکه اطلاع رسانی جهانی است که به شما قدرت می دهد تا در هر کجا که باشید بتوانید از طریق اینترنت وارد کتابخانه کنگره آمریکا شده و از آن استفاده کنید. همچنین می توانید از طریق سایت های اینترنت از جدیدترین کشفیات مطلع شده و از آن بهره ببرید و از این جهت بسیار عالی است. اما مشکل این جاست که معمولاً تمدن های شرقی وقتی با یک تکنولوژی مدرن مواجه می شوند. ذوق زده شده و آسیب شناسی نمی کنند آن وقت لطمه هایی که بر بدنه فرهنگ

این تمدن ها می نشیند بسیار سنگین تر از لطمه هایی است که بر صاحبان صنایع وارد می شود». به نظر می رسد که نگاه جهانیان به پدیده ICT برطیفی از شیفتگی تا انزجار قرار می گیرد که در یک سوی آن، جهت گیری کاملاً مثبت، همراه با شیفتگی و انتظار دستیابی به دموکراسی جهانی و مدینه فاضله دیده می شود که تجسم همپوشی فرهنگی بخشی از نگاههای کاملاً مثبت به آن است و در آن سوی طیف جهت گیری منفی قرار دارد که با اصطلاح فشار اطلاعات و منفعل شدن مخاطب و شکل گیری بزرگراههای مصرف شروع و به حوزه تلاش به منظور نجات جامعه بومی وارد و با توصیف وضعیت به صورت امپریالیسم فرهنگی و تهاجم فرهنگی از سرانجام بی ملیتی و آمریکایی شدن سخن می گوید. شاید بتوان مقدمه ورود کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به عصر ICT را آغاز دهه ۱۹۹۰ دانست که شبکه ماهواره ای STAR با پوشش گسترده آسیا شروع به کار کرد. تحقیقات نشان می دهد که برخی از حکومت ها در آسیا بدون شناخت دقیق وضعیت و آینده نگری، هر کدام در جایی از آن طیف شیفتگی تا انزجار قرار گرفتند به گونه ای که عکس العمل آن ها در شش دسته جای گرفت. دسته اول کشورهایی بودند که نه تنها استفاده از تلویزیون ماهواره ای را مجاز دانستند بلکه تسهیلاتی نیز برای دریافت برنامه ها بوسیله مردم فراهم کردند مانند سنگاپور و کویت، گروه دوم کشورهایی که مانعی ایجاد نکردند، اما با تعیین مالیات برای نصب آنتن، به طور غیرمستقیم با عمومی شدن آن مقابله کردند مانند پاکستان گروه سوم کشورهایی که مجاز دانستند ولی اقدامات رقابتی را نیز آغاز کردند مانند هند، اندونزی، کره جنوبی و سریلانکا. گروه چهارم کشورهایی که با پشتوانه امکانات قوی خود پیش از ممنوعیت در رقابت موفق شدند. مانند ژاپن و گروه پنجم کشورهایی که همراه با ممنوعیت قانونی، اقدامات رقابتی را نیز دنبال کردند مانند عربستان سعودی. بحرین، قطر، امارات متحده و مالزی. گروه ششم کشورهایی که سر درگم



،تصمیم قانونی نگرفته و هیچگونه اقدام رقابتی را نیز آغاز نکردند مانند ایران و برخی از کشورهای تازه استقلال یافته آسیای میانه.

در نگاهی کوتاه به بخش مثبت طیف می توان به عنوان نمونه به نظرات کلیفورد گیرتز اشاره کرد که بسیار خوشبختانه ،سرانجام این عصر را همپوشی فرهنگی می داند. او در تعریف می گوید،فرهنگ در جوهره خود اطلاعاتی است که گروهی در آن شریک اند خصلت اطلاعات به عکس اشیاء آن است که دهنده آنچه را که داده می تواند برای خود نیز حفظ کند. به این ترتیب فرهنگ ها با یکدیگر همپوشی یافته با هم تعامل پیدا می کنند و وابستگی متقابل می سازند آنچه اتفاق می افتد همان است که در فرهنگ مشترک میان یک زوج روی می دهد زیرا آن ها می آموزند که چه انتظاری از یکدیگر داشته باشند.

برخی از کشورها خوش بینی خود را در عمل اینگونه نشان داده که علیرغم اختلافات دیرینه با جامعه ای دیگر فضای حاصل از ICT را وسیله ای برای نزدیکی بیشتر با خصم دیرینه تلقی کرده اند. نمونه اقدامات کره جنوبی در مقابل ژاپن از مصادیق بارز چنین مواردی است. هر چه به درجات بالاتر جهت گیری منفی ICT نزدیک می شویم، جوامعی را می بینیم که در سابقه دستیابی به شرایط مذکور عقب تر هستند. به عنوان مثال آن دسته از کارشناسان ارتباطات که از اصطلاح امپریالیسم فرهنگی استفاده می کنند کسانی هستند که به مقایسه ICT میان کشورهای اروپایی مرکزی با آمریکا،اروپای شرقی سابق با اروپای مرکزی و حتی کره با ژاپن می پردازند.

منفی ترین جهت گیری به ICT با اصطلاح تهاجم فرهنگی مطرح می شود. اصطلاحی که می توان آنرا از سیاستمداران و مصلحان اجتماعی ایران، مصری و حتی فرانسوی نیز شنید و اکثراً از سوی جوامعی به کار می رود که در گذشته سلطه خارجی، آسیب های جدی بر ثروت های مادی و معنوی آنها وارد کرده است و از نظر نظام ارزشی نیز تفاوت های عمیق با غرب دارند. یکی از محققان مصری در توصیف

تهاجم فرهنگی از اصطلاح ابداعی دیگری به نام تهاجم روشنفکری استفاده کرده که به نظر می رسد مشابه همان اصطلاح قدیمی است که یکی از جامعه شناسان ایران به نام جلال آل احمد آنرا به صورت غرب زدگی مطرح کرد. در یک جمع بندی از مباحث می توان گفت که در مورد آینده ICT سه سؤال فرضیه گونه پیش روی ماست: ۱- آیا آینده این تحولات به تعامل - به مفهوم تبادل فرهنگی منتهی خواهد شد؟ و یا ۲- پروسه و فرایندی همچون هر نابرابری ناشی از جبر و اختیار دیگری در جریان است که در طول تاریخ، ملت ها با مشابه آن مواجه بوده و به دلیل دسترسی های متفاوت به سخت افزار و نرم افزار، از دستاوردهای نابرابر برخوردار شده اند و یا اینکه ۳- سرانجام روابط از قبل طراحی شده یک سویه ای خواهد بود که به صورت یک پروژه نه پروسه، جنگ نابرابری را به وجود آورده که کلید واژه آن تهاجم فرهنگی است؟

در مورد فرضیه اول لازولی می نویسد: همان توهمی که در آغاز اختراع تلویزیون ایجاد شد و همه معتقد بودند که این نوآوری شکفت انگیز، دستیابی آزادانه همگان را به فرهنگ و هنر فراهم می سازد اکنون بر اینترنت حاکم شده و بشر بار دیگر دچار ساده لوحی شده است.

در مورد فرضیه دوم، در طول تاریخ، ملت ها با مشابه آن مواجه بوده و به دلیل دسترسی های متفاوت به سخت افزار و نرم افزار از دستاوردهای نابرابر برخوردار شده اند. بشر این دوران را مکرر تجربه کرده است. روزگاری بود که کشتی های بازرگانی و نظامی پرتقال و اسپانیا، دریا های جهان را در اختیار داشتند و در همان مقاطع فرهنگ هایی همچون اینکاها با یک نابرابری سهمگین سخت افزاری و نرم افزاری مواجه بودند. در مورد رسانه ها نیز این نابرابری سابقه ای دیرینه دارد. مثلاً هنگامی که اروپا از محصول اختراع گوتنبرگ سود می برد، بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی حتی از این پدیده بی اطلاع بودند. ایرانیان ۲۰۴ سال پس از اروپایی ها به چاپ دست یافتند. اما باید دانست وقتی طرفدار فرضیه

دوم باشیم و بخواهیم تحولات ICT را نه به صورت یک پروژه عظیم شمال علیه جنوب بلکه به صورت یک پروسه تاریخی نگاه کنیم، ماهیت آن تغییر نمی کند.

ICT این امکان را فراهم کرده که برخی از جوامع توسعه یافته به مراتب پیش از گذشته فرصت عرضه ارزش های خود را در جوامع دیگر بدست ورنند. در حالیکه این داوری نیز از سوی برخی وجود دارد که مجموعه ارزش های تشکیل دهنده مدل لیبرالی غرب، کسب سود و منفعت به هر شکل، اما تحت لوای آزادی است و از آنجا که سکس و خشونت سبب فروش بهتر تبلیغات می شوند و مخاطبان را به رسانه ها معتاد می سازد، محتوای رسانه ها بیشتر میل بر حول این موضوعات خواهند داشت.

علت عدم پذیرش فرضیه سوم، سوای شواهد اثباتی فرضیه دوم، تفاوت های اساسی پدیدده حاضر با شرایط تهاجم نظامی است. هنگامی که به واژه تهاجم فرهنگی که بیشتر در متون و منابع غیر علوم ارتباطات دیده می شود. می اندیشیم ناچار و حتی ناخودآگاه آنرا در قالب تهاجم نظامی نگاه کرده و ساخت و کارکردی مشابه و مصنوعی مشترک با تهاجم نظامی را برای آن جست و جو خواهیم کرد. در این میان به نظر می رسد که میان تهاجم فرهنگی با تهاجم نظامی دو مشابهت ظاهری وجود داشته باشد.

## ۱- مشابهت در شلیک گلوله به دورترین فاصله و ارسال پیام نیز به دورترین

### فاصله.

می دانیم که جنگ جهانی اول را آغاز دوران جنگ های نوین می دانند که اساس آن بر رزم دور به جای رزم نزدیک نهاده شده بود و در حوزه ارتباطات نیز انسان توانسته به توانایی بی نظیر دستیابی به فواصل بسیار دور برای ارسال هم زمان صورت، متن و تصویر متحرک دست یابد در واقع در عصر حاضر هر دو توانسته اند بر فاصله غلبه کنند.

## ۲- دستیابی مشترک در شیوه های عبور از موانع

در حوزه نظامی، روزگاری بود که استفاده از خندق، سیم خاردار و انواع موانع دیگر، بازدارنده تهاجم نظامی می شد در حالیکه سال هاست موانع مذکور کارکرد خود را از دست داده و موشک های بالستیک از قاره ها عبور می کنند. در حوزه ارتباطات نیز دیوار آهنی عصر مائو آخرین نمونه قرن بیستمی عامل بازدارنده محسوب می شد که اکنون دستیابی به ICT خصلت عبور از تمامی مرزها و دیوارهای آهنی را به دست آورده است این خصلت طبعاً مغایر با محدوده تعریف شده اقتدار چنین حکومت هایی است ضمن آن که نگرانی آنها مشابه همان تجسم ورود موشک های بالستیک از قاره های دیگر است. پذیرفتن این دو فرضیه چند پیشنهاد به شرح زیر به دنبال دارد.

- حکومت های در حال توسعه از جمله ایران در شناخت بازار جهانی پیام و راز و رمز مکانیزم های آن شیوه های خردگرایانه و غیر احساسی را دنبال کرده و از همین مسیر، در یافتن تدابیر اجرایی برای رقابت در این بازار، تأمین نیازهای مصرف کنندگان داخلی را مبنا قرار دهند.

- از آنجا که اعمال نظارت های سنتی بر رسانه های خارج رو به داخل امکان پذیر نیست، به منظور امکان افزایش توان رسانه های داخلی با امواج بیرونی شیوه های مراقبتی را جایگزین شیوه های سنتی نظارت کنند.

- برای مخاطبان رسانه های داخلی این امکان فراهم شود که به شناخت فرهنگ و ارزش های بومی خود دست یابند.

- کوشش شود که مخاطبان داخلی در مورد ساخت و کارکرد بازار جهانی پیام و عناصرب شکل دهنده تداخل های فرهنگی آگاه شوند. در واقع به جای طرح این سؤال قدیمی که رسانه ها به ما چه می کنند.

این سؤال مطرح می شود که ما به عنوان انسان گزینشگر باید با رسانه ها چگونه رفتار کنیم. و چگونه از

آثار سوء تداخل فرهنگی اجتناب کنیم؟

- سیاست ها در زمینه ارتباطات و اطلاعات باید طبق نیازهای انسان تعریف و شاخص شوند (به جای

خواسته ها و آرزوهای کمپانی های فراملیتی)

- ما باید از یک سیستم ارتباطات جهانی که برای همگان عادلانه و منصفانه باشد دفاع کنیم. ارتباطات

نباید تنها به عنوان یک فعالیت تجاری تلقی شود، لکن باید به مثابه وسیله ای مؤثر برای خلق جهانی

همراه با عدالت تلقی شود.

- برای درک بهتر مشکلات ما در زمینه ارتباطات ضروری است که یک کار پژوهشی توسط علمای

تاریخ و تاریخ طبیعی و جامعه شناسی ایران صورت پذیرد»

## منابع و مآخذ

۱- بخشایش اردستانی، احمد، نقش رسانه های خبری در جهانی شدن، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره جدید شماره ۴، تهران: ۱۳۸۲

۲- جیمز استور، ویلیام، تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم، ترجمه دکتر رضا نجف بیگی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

۳- سجادی، مهدی، جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن بر تعلیم و تربیت، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه چمران اهواز، دوره سوم سال دهم. ۱۳۸۲

۴- عطاران، محمد، جهانی شدن، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت، تهران: آفتاب مهر. ۱۳۸۱

۵- فرهادی، ربابه، نقش فناوری اطلاعات در آموزش، فصلنامه کتاب، نشریه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران دوره چهاردهم، شماره چهارم. ۱۳۸۲

۶- کرکماز علمدار، جهانی سازی و ارتباطات

[www.iranwsis.org](http://www.iranwsis.org)

۷- کثوفیلیپ، دسترسی همگانی در عصر دانش جهانی

[www.iranwsis.org](http://www.iranwsis.org)

۸- کمیته سواد فناوری اطلاعات شورای ملی پژوهش ایالات متحده، تبحر در فناوری اطلاعات، ترجمه

علی حسین قاسمی، تهران: نشر چاپار. ۱۳۸۱

۹- گلستان، دارا، پیش درآمدی کوتاه بر گلوبالیزیشن یا جهانی شدن

[www.ayandehnegar.org](http://www.ayandehnegar.org)

۱۰- محسنیان راد، مهدی، شیوه های رویارویی کشورهای در حال توسعه با چالش های تکنولوژی نوین

اطلاعات و ارتباطات.

[www.iranwsis.org](http://www.iranwsis.org)

۱۱- معتمدنژاد، کاظم، نابرابری جهانی در توسعه ارتباطات

[www.iranwsis.org](http://www.iranwsis.org)